



شرحی بر آثار عکاسی محمدرضا لاهوتی

نور، خلوت، فضا

مهدی حسینی

مصباح، همان شعله‌های ایمان است که در قلب مؤمن آشکار می‌گردد و فروغ هدایت از آن منتشر می‌شود.

زجاجه و حباب، قلب مؤمن است که ایمان را در وجودش تنظیم می‌کند. مشکوه، سینۀ مؤمن و یا به تعبیر دیگر مجموعه شخصیت و آگاهی و علوم و افکار اوست که ایمان وی را از گزند توفان حوادث مصون می‌دارد. (سوره «نور»، آیه ۳۵، برگرفته از تفسیر نمونه صص ۲۹۷ - ۲۹۶).

از لحاظ بیان تصویری، نور کیفیتی است که از طریق آن، دنیای ملموس، توسط «موهبت» بینایی، رؤیت، درک و احساس می‌شود.

از منظر علمی، نور به آن بخش از امواج الکترو مغناطیس اطلاق می‌شود که با سرعت ۱۸۶ هزار میل در ثانیه حرکت می‌کند که با چشم غیرمسلح انسان قابل دریافت و رؤیت است.

خلوت، خلوت در مقابل جلوت قرار می‌گیرد. ولی خلوت در بیان عرفانی و نیز بیان تصویری منبعث از انفعال نیست. بلکه فضایی است که فرد در آن به اندیشه و تأمل می‌نشیند. خود را از بدیهیات دور می‌کند و ضمن آن تلاشی ذهنی و باطنی می‌کند تا به اصالت خود بازگردد.

خلوت خود سازم عدم خانه را
باز گذار این ده ویرانه را
(نظامی)

در فضای خلوت است که انسان خود را باز می‌یابد و با افق‌هایی بدیع آشنا می‌شود که تا به حال با آن بیگانه بوده و با رو آوردن به خلوت، آن‌ها را کشف کرده است.

محمدرضا لاهوتی سال‌هاست که مستمراً، به دور از هرگونه جنجالی، به آفرینش فضاهای سه بُعدی هندسی و اندیشمند خود پرداخته است. ولی این نخستین‌باری است که محمدرضا لاهوتی آثارش را در قالب دو بُعدی ارائه می‌دارد. برای خلق این آثار که در بسیاری از موارد به انتزاع مطلق نزدیک می‌شود، هنرمند از عوامل بسیار مهمی در بیان تصویری، یعنی نور، خلوت و فضا سود برده است.

ضروری است مقدمتاً اشاره شود که منظور از این عناصر چیست و تعریف آن کدام است:

نور، در ذهنیت و زندگی انسان به حدی جا داشته و دارای اهمیت است که خداوند در قرآن مجید سوره‌ای به «نور» اختصاص داده است. حتی اشاره شده است که قرآن، «نور» است: چون کلام خداوند تبارک و تعالی است. نیز، عنوان شده است که ایمان، نور است، چون رمز پیوند با اوست و علم، نور است چون سبب آشنایی با اوست.

خداوند در قرآن کریم با ذکر یک مثال بسیار زیبا و خیال‌انگیز، چگونگی نور الهی را مشخص می‌کند و می‌فرماید: «مثل نوره کمشکوه فیها مصباح المصباح فی زجاجه الزجاجه کانهما کوكب دري...»، (مثل نور او همانند چراغدانی است که در آن چراغی (پر فروغ) باشد، آن چراغ در حبایی قرار گیرد، حبایی شفاف و درخشنده همچون یک ستاره فروزان).

توضیح این مثل: نور ایمان که در قلب مؤمنان است و دارای همان عناصری است که در یک چراغ پرفروغ موجود است.

(نظامی)

فضا، در این بیان به منزله کیفیتی است که به مناسبت آن هنرمند، احساس، ذهنیت، جهان‌بینی و نیت خود را از طریق عناصری که در اختیار دارد (خط، سطح، فرم، حجم) و روابطی که میان آن‌ها ایجاد می‌کند، برای ارتباط با مخاطب، به کار می‌گیرد.

فضا با در نظر گرفتن قصد سازنده آن شکل‌هایی بی‌شمار به خود می‌گیرد. به‌طور مثال، نیت سازنده یک عبادتگاه، ایجاد یک فضای روحانی است تا سالک قادر باشد با فرار گرفتن در آن تأمل کند، به نیایش بپردازد و با خالق خود ارتباط حاصل نماید.

در نتیجه معمار با ابزار و مصالحی که در اختیار دارد، فضایی می‌آفریند که انسان با حضور در آن، از مصائب روزمره زندگی فراتر رفته و آزاد و رها می‌شود و در نتیجه، فضایی ملکوتی به تجربه می‌آید.

همین ابزار در دست یک سازنده بیرون از این افکار، ممکن است، تبدیل به فضایی آمرانه و تحقیرآمیز شود که مخاطب در آن احساس حقارت و بیگانگی کند.

در آثار محمدرضا لاهوتی، نوری غیرمتمعارف به تجربه درمی‌آید که به تمرکز، اندیشه و سکوت هدایت می‌کند. این سکوت از سر شرمساری و یا از روی انفعال

نیست. سکوتی است که انسان را به تأمل وامی‌دارد و موجب اندیشه‌اش می‌شود. این نور گاه به صورت لکه‌ها، زمانی به شکل سطح و در اغلب موارد به قالب فضایی انتزاعی برای مخاطب به تعریف درمی‌آید.

در مواردی که شکل مشخصی از طبیعت به نظاره درآمده است، این طبیعت، از روی جسمیتی رؤیت شده است که آن را تبدیل به نقطه‌هایی از نور و رنگ نموده و یادآور تجربیات ژرژ سورا (۱۸۹۱ - ۱۸۵۹) نقاش پست‌امپرسیونیست در قالب نور و رنگ است.

خلوت از عناصر دیگری است که به شکل قابل ملاحظه‌ای در این آثار به دیدار می‌آید. خلوت فضایی است که انسان خود را از بسیاری از مسایلی که ناخواسته به او تحمیل شده دور می‌کند، در آن به تأمل می‌نشیند. خود را بازمی‌یابد و از این طریق به اصالت خود رجعت می‌کند.

خلوت در این آثار توسط کلهکشان بی‌انتها (و یا نزدیک‌تر) از راه ثبت سایه‌ها منعکس شده بر روی یک دیوار عینیت می‌یابد و مخاطب را به جهانی فراسوی این جهان عادی سوق می‌دهد.

اگرچه دست‌مایه اغلب این آثار از جهان پیرامون انتخاب شده است، ولی نحوه استفاده نمودی انتزاعی به خود گرفته است. در حقیقت با بهره‌ی هوشمندانه از فضای انتزاعی است که این آثار شکل گرفته و تلاش دارد تا با مخاطب ارتباط حاصل کند و گوشه‌ای از این جهان متکثر را بازآفرینی نماید. □

